

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

طرح اولین قسم از اقسام تلقیح

بعد از اینکه اصل اولی در مسئله که عبارت از اصالة البرائة نقلي و عقلي است را تحکیم کردیم وارد مسئله تلقیح می شویم . در این مسئله تلقیح، اقسام و فروع متعددی وجودی دارد. اولین قسم این است که اگر نطفه مردی را از راه وسائل و ابزار، در مهبل یا در رحم زوجه شرعی خودش قرار دهند، یعنی از راه طبیعی این امکان وجود ندارد اما از راه وسائل و ابزار این امکان وجود دارد، آیا این جایز است یا نه؟ در این مورد به حسب این عنوان – یعنی تلقیح نطفه زوج و زوجه که بین هر دو زوجیه شرعی برقرار است – دلیلی بر حرمت نداریم و همان اصالة البرائة عقلي و نقلي در اینجا جریان دارد.

در بین آیات و روایات هیچ دلیلی نداریم که عمل تلقیح باید از راه طبیعی در رحم زوجه شرعی صورت بگیرد. این جا این بحث مطرح می شود که اگر این کار مستلزم نظر و لمس باشد که باید پزشک زوجه این مرد را نظر و لمس کند و از راه نظر و لمس، منی را در رحم این زوجه قرار دهد، از این جهت ممکن است اشکالی تولید شود، اما از نظر خود اصل لقاح و تلقیح هیچ اشکالی در این فرض وجود ندارد. اگر بین این زوج و زوجه واقعا یک اضطرار و یک حرجی وجود داشته باشد، مثلاً در حدی هستند که زندگی آنها در معرض از هم پاشیدن است، قاعده لا حرج مشکل این نظر و لمس را هم بر می دارد، می گوید اینجا که اضطرار وجود دارد طبیب اگر زوجه آن شخص را نظر یا لمس کند برای اینکه بتواند منی را در رحم او قرار دهد اشکالی ندارد.

طرح یک سؤال

اینجا بحثی – که البته باید در کتاب النکاح مطرح کرد – این است که آیا ادله ای که دلالت بر حرمت نظر و لمس به اجنبیه دارد، فقط نظر به آنچه که به عنوان ظاهر جسمی او هست را شامل می شود که نظر به مو و بدن او حرام است؟ یا اینکه نه، این باطن اجنبیه را هم شامل می شود؟ فرض کنید دکتری می خواهد شکم زنی را جراحی کند، اینجا هیچ چیز از ظاهر این زن پیدا نیست، بلکه روده و قلب و کلیه او پیداست و دیگران که در آنجا حضور دارند ولو عنوان دکتر را هم ندارند بگویم نظر به این مانعی ندارد، قلب این زن را اگر نگاه کنند و بخواهند با دست قلب را در بیاورند اشکالی ندارد. این متوقف بر این است که ادله حرمت نظر و لمس را بررسی کنیم و ببینیم آیا از ادله حرمت نظر و لمس مثل: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» یا ادله و روایات دیگری که وجود دارد استفاده می شود که فقط نظر به ظاهر حرام است و آنچه که عنوان باطن زن را دارد اشکال ندارد، مثلاً اگر زن دهانش را در مقابل دندانپزشک باز کرد بگویم این هم عنوان باطن را دارد یا بگویم ظاهر و آنچه که در حکم ظاهر است؟ آنوقت مسئله دهان و دندان و مهبل هم شامل ظاهر می شود و قلب و کلیه و ... عنوان باطن را پیدا کند. این بحث باید در کتاب النکاح مطرح شود .

ادامه بررسی فرع اول

ما روی این فرض بحث می‌کنیم که اگر گفتیم نظر و لمس مطلقاً حرام است حتی نسبت به باطن، اینجا اگر برای این زوج و زوجه اضطراب باشد و ادامه زندگی عنوان حرج را داشته باشد لا حرج این حرمت را بر می‌دارد. انما الکلام در آنجایی که اضطراب نیست اما میل باطنی زن و مرد این است که اولاد داشته باشند، اگر هم نداشته باشند زندگی آنها خوب است، مثل افرادی که عمری با هم زندگی کردند و مشکلی نداشتند و اولادی هم خدا به آنها نداد. اما به اولاد بی میل هم نیستند، یعنی مسئله اضطراب در کار نیست بلکه مجرد معالجه است. آیا از نظر شرعی این زوج و زوجه به ملاک معالجه، نه به ملاک اضطراب و به ملاک ضرورت، می‌توانند بگویند ما می‌خواهیم معالجه کنیم؟

یا فرض کنید زنی بینی بزرگی دارد می‌خواهد معالجه کند و کوچک کند و اضطرابی هم در کار نیست و برای صرف زیبایی می‌خواهد این کار را انجام دهد کما اینکه رایج و شایع است، آیا زن می‌تواند تا اندازه‌ای که به حد اضطراب نرسیده و صرف معالجه است خود را در اختیار طبیب مرد قرار دهد؟ آن هم معالجه چیز دیگری نیست. بعضی از معالجه‌ها عنوان ضروری دارد مثلاً ناراحتی قلبی دارد و دکتر مرد و زن هم وجود دارند اما اعتمادش به دکتر مرد بیشتر از زن است، همین کافی است که به دکتر مرد معالجه کند. در جایی که اضطرابی نیست و ملاک، مجرد معالجه و علاج است، آیا از ادله می‌توانیم استفاده کنیم که این زن خود را در اختیار دکتر اجنبی قرار دهد تا نطفه شوهر او را در رحم او قرار دهد و مستلزم نظر و لمس هم باشد.

بیان روایتی در باب علاج زن توسط مرد

اینجا یک روایت معتبر از ابو حمزه ثمالی از امام باقر ع داریم در ج 14 وسائل، ص 172، باب 130 از مقدمات نکاح، حدیث اول است. «قال سألته عن المرأة المسلمة يصيبها البلاء في جسدها» از امام باقر (ع) سؤال کرده است از یک زن مسلمانی که بلا به بدنش اصابت کرده، اما کسر و اما جرح یا یک جراحت و شکستگی بر او وارد شده «في مكان لا يصلح النظر إليه» در قسمتی از بدن او است که نظر به او جایز نیست، فرض کنید بعضی‌ها وجه الکفین را استثناء می‌کنند اما می‌گویند این شکستگی یا جراحت در قسمتی است که نظر به آنجا جایز نیست - در روایات بعضی اوقات کلمه لا يصلح آمده منتهی به معنای عدم جواز است - سائل می‌گوید «يكون الرجل أرفق بعلاجه من النساء» مرد بهتر می‌تواند علاج کند تا زن «أصلح عن النظر إليها» آیا نظر به این زن برای طبیب جایز است یا نه؟ «قال إذا اضطرت إليه فليعالجها إن شاءت» اگر زن مضطر به این مرد شد این مرد بیاید این زن را معالجه کند.

اینجا اذا شرطیه داریم، روی نظر مشهور که در باب مفهوم شرط قائلند به اینکه جمله شرطیه مفهوم دارد مفهوم کلام امام ع این است که اگر اضطراب پیدا نکند حق ندارد «إذا اضطرت إليه» اگر زن اضطراب پیدا کرد، معنایش این است که اگر بخواهد به دکتر زن مراجعه کند او نمی‌تواند او را معالجه کند یعنی اگر معالجه صحیح به دست مرد است مرد معالجه کند. اگر از راه کامپیوتر بتوانید کلمه علاج یا معالجه را بیاورید در فقه برای معالجه ببینید روایت دیگری داریم یا نه؟ ظاهراً همین یک روایت است، اگر روایت دیگری بود به بنده هم بگویید تا در روایات دیگر هم دقت کنیم. ما از نظر دلیل شرعی تعبدی، یک دلیلی برای این که به مجرد اینکه خودش را بخواهد معالجه کند اما ضرورتی ندارد حال بخواهد خود را در اختیار اجنبی قرار دهد، دلیلی بر جواز آن نداریم. چون در اینجا ادله حرمت نظر به اجنبیه و ادله حرمت لمس نسبت به اجنبیه اطلاقش باقی می‌ماند. یعنی فرض کنید دو بچه دارد و می‌خواهد بچه سومی داشته باشد اما راهش این است که برود دکتر و از راه وسائل و ابزار بخواهد نطفه را در رحمش قرار دهد، اطلاق ادله حرمت نظر و لمس اینجا را می‌گیرد و می‌گوید لا يجوز.

نتیجه بررسی صورت اول تلقیح

آن ادله فقط در فرض ضرورت کنار می رود، اما با قطع نظر از اضطرار و حرج، بگوییم فقط به صرف العلاج من دون اضطرار و حرج، اینجا اطلاق ادله حرمت نظر و لمس به اجنبیه شامل می شود و باید گفت که از نظر فقهی جایز نیست. این حکم این صورت اول؛ از نظر اینکه آیا جایز است یا نه؟ و مسئله نظر و لمس مسئله روشن شد.

طرح صورت دوم از اقسام تلقیح

صورت دوم که بحث مهمی است و عمده بحث در صورت دوم است این است که نطفه مردی را در رحم یک زنی که زوجه او نیست قرار بدهند. اینجا هم صور متعددی دارد؛ یا آن زن شوهر دارد، یا ندارد یا آن زن محرم نسبی این مرد هست یا نیست، یا آن زن محرم سببی آن مرد است یا نه. اینجا صور متعددی دارد که غالباً حکمش واحد است. زن و شوهری هستند که بچه دار نمی شوند و مشکل در مرد است، حالا بروند نطفه مرد دیگری را بگیرند و در رحم آن زن قرار دهند و بین آن زن و مرد هیچ ارتباط زوجیت برقرار نیست، آیا این جایز است یا نه؟ اینجا هم روایات و هم آیاتی داریم که از آن حرمت استفاده می شود و باید این روایات و آیات را بخوانیم.

ادله حرمت صورت دوم

اولین روایت: «علي بن ابراهيم عن ابيه عن عثمان بن عيسى عن علي بن سالم عن ابي عبدالله (ع) قال: ان اشد الناس عذاباً يوم القيامة رجلاً اقر نطفته في رحم يحرم عليه». شدیدترین عذابها در روز قیامت برای مردی است که نطفه خود را در رحم زنی قرار بدهد که آن رحم بر او حرام است. یعنی بین این مرد و آن زن علاقه ملک یمین و زوجیت شرعی وجود ندارد. چون رحم جائز یا از راه زوجیت است یا ملک یمین.

بررسی سند روایت

قبل از اینکه دلالت این روایت را بررسی کنیم این روایت سندش خوب است فقط در یک نفر به نام علی بن سالم اشکال است. ما در بین روات دو علی بن سالم داریم؛ یکی علی بن سالم بطائنی واقفی مسلک داریم و یک علی بن سالم داریم که مجهول است. برخی از بزرگان می گویند علی بن سالم مردد بین دو نفر است و ما نمی دانیم کدامیک است و اعتباری ندارد.

اما کسانی که توثیقات عامه را حجت می دانند که ما هم حجت می دانیم، مرحوم شیخ مفید در کتاب ارشاد تمام روایتی که از اصحاب امام صادق (ع) هستند توثیق کرده است به توثیق عام، که یکی علی بن سالم است. لذا اگر ما توثیق عام را کافی بدانیم این روایت معتبر می شود. کسانی که مثل مرحوم آقای خوئی که در اوائل مباحث علمی خود توثیقات عامه را حجت می دانستند اما در اواخر عمر از این مبنا برگشتند و فرموده بودند توثیقات عامه حجیت ندارد در سند این روایت مشکل دارند، اما کسی که توثیق عام را حجت می داند، چون شیخ مفید با جلالته که دارد تمام اصحاب امام صادق را توثیق کرده است، این برای ما قابل اعتبار است. پس سند روایت بحثی ندارد اما بحث مهم در دلالت این روایت است. ببینیم آیا از این روایت استفاده می شود که اگر با ابزار، نطفه را در داخل رحم زنی قرار دهند که بر او حرام است این هم حرام است یا نه؟

و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.